



دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

نقش دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای در اجرای قطعنامه‌های فصل هفتم شورای امنیت

ملیحه بهفر^۱

۱. استادیار، گروه حقوق، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران.

چکیده

بخشی از تصمیمات الزام‌آور شورای امنیت در تعارض تعهدات بین‌المللی آن و معیارهای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه هستند. این امر اشخاص حقیقی و حقوقی را بر آن داشته است نزد دادگاه‌های منطقه‌ای یا دادگاه‌های داخلی دولت‌های عضو اقامه دعوی نمایند. آرای صادره از سوی این دادگاه‌ها منجر به لغو برخی از مصوبات جامعه اروپا و اقدامات داخلی دولت‌ها گشته است، اگرچه تصمیمات این دادگاه‌ها نمی‌تواند منجر به لغو و اعلام بی‌اعتباری قطعنامه براساس مقررات حقوق بین‌الملل گردد، اما آثار ناشی از قطعنامه را تغییر داده است. به‌رحال این ارزیابی قضایی می‌تواند عملکرد دولت‌ها را در اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت تحت تأثیر قرار دهد. همچنین این امر می‌تواند یکپارچگی حقوق بین‌الملل را مخدوش نماید، چراکه این دولت‌ها از سویی ملزم به رعایت آرای صادره از دادگاه‌ها می‌باشند و از سوی دیگر موجب طرح مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها به‌دلیل عدم اجرای تحریم‌های شورای امنیت گردد. این مقاله درصدد است با بررسی آرای صادره در این مورد و با نگاهی تحلیلی نتایج ناشی از چنین ارزیابی‌های قضایی را در اجرای تصمیمات شورای امنیت مورد توجه قرار دهد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷-۳۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن: +.....

ایمیل: malihebehfar@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

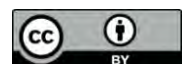
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

ارزیابی قضایی، دادگاه‌های داخلی، دادگاه‌های منطقه‌ای، شورای امنیت، قطعنامه‌های الزام‌آور.



مقدمه

با افزایش نقش بازیگران غیردولتی در عرصه حقوق بین‌الملل شورای امنیت نیز گرایش بیشتری به اعمال تحریم‌های هدفمند علیه بازیگران غیردولتی، از جمله اشخاص و نهادها یافته است. این اقدامات در مواردی منجر به نقض حقوق اشخاص گشته است. نه تنها تحریم‌های هدفمند حقوق افراد را متأثر نموده‌اند، بلکه ارگان‌های فرعی سازمان ملل نیز با اتخاذ اقدامات الزام‌آور در اداره سرزمین‌ها نیز از جمله در مورد کوزوو، بوسنی و هرزگوین، تیمور شرقی، محدودیت‌هایی را نسبت به حقوق افراد ایجاد نموده‌اند که شرایطی مشابه اعمال تحریم‌های هدفمند داشته است.

اقدامات شورای امنیت در اعمال ماده ۴۲ منشور ملل متحد و تفویض اختیار به دولت‌ها و سایر نهادهای بین‌المللی نیز در مواردی منجر به نقض حقوق بشر و حقوق اساسی اشخاص گشته است. منابع محدود در سازمان ملل، عدم توانایی در به‌کارگیری و فرماندهی اقدامات قهری، شورا را بر آن داشته است تا از دیگر ارکان سازمان ملل یا نهادهای بین‌المللی و یا دولت‌های عضو برای دستیابی به اهدافش کمک بگیرد. شورا در مواردی، از جمله اقدامات قهری نظامی و یا اداره کردن سرزمین‌های فاقد حکومت مرکزی، اقدام به تفویض اختیارات خود نموده است. این مسأله می‌تواند منجر به نقض تعهدات بین‌المللی از سوی نهادهای اجراکننده گردد.

باتوجه به آنکه در نظم کنونی حقوق بین‌الملل سیستم حمایت قضایی مناسب برای اشخاص زیان‌دیده وجود ندارد، اشخاص متأثر از این تصمیمات در موارد متعدد به دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای مراجعه نموده‌اند. بنابراین اهمیت حمایت از حقوق اساسی بشر در نظام حقوق داخلی، نهادهای قضایی را در ایجاد تعادل میان حمایت از حقوق بشر و رعایت قطعنامه‌های شورای امنیت به چالش کشانده است. در این راستا تعهدات بین‌المللی دولت‌ها براساس منشور ملل متحد در ماده ۲۵ و ماده ۴۸، دولت‌های عضو را ملزم نموده است که تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا نمایند. ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد یکی از مقررات اصلی سازمان ملل می‌باشد که برتری حقوقی منشور بر سایر تعهدات بین‌المللی دولت‌ها را ایجاد می‌نماید. این مقرر دارای جایگاه بسیار مهم می‌باشد و منجر به وحدت حقوق بین‌الملل در زیر چتر منشور می‌گردد. همچنین می‌تواند

به عملکرد مؤثر سازمان ملل کمک نماید، اما در عین حال برای دولت‌ها تبعیت از تصمیمات دادگاه‌های داخلی به‌عنوان رکن قضایی تشکیل‌دهنده دولت، الزامی است.

مسأله اقامه دعوی از سوی افراد و نهادها علیه قطعنامه‌های شورای امنیت در نزد دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای چشم‌انداز جالب و قابل‌توجه را در اجرای تحریم‌ها و مسائل پیشروی شورای امنیت در همکاری دولت‌ها در اجرای قطعنامه‌های فصل هفتم نشان می‌دهد. باتوجه به آنکه امکان طرح دعوی به‌صورت مستقیم علیه سازمان ملل و یا شورای امنیت وجود ندارد، مراجعه در نزد این نهادهای قضایی به‌طور روزافزون در حال افزایش است. این مقاله تلاش دارد با نگاه تحلیلی و بررسی برخی از آرای مهم در این زمینه به رویه‌های اتخاذشده از سوی دادگاه‌ها پرداخته و سپس به آثار این شیوه کنترل قضایی در حقوق بین‌الملل بپردازد. همچنین معیارهای نظارت قضایی از سوی دادگاه‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۱- شیوه‌های نظارت بر قطعنامه‌های شورای امنیت

دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای در برخورد با موضوع مشروعیت و قانونی‌بودن قطعنامه‌های شورای امنیت به روش‌های متعدد عمل نموده‌اند که سه روش اصلی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. روش اول رد هرگونه امکان نظارت قضایی از سوی این دادگاه‌ها می‌باشد؛ در روش دوم نهادهای قضایی به تفسیر قطعنامه‌ها پرداخته‌اند؛ دیدگاه سوم نوعی بازنگری بر قطعنامه‌های شورای امنیت بوده است. روش‌های مورد بحث با نگاه به آرای مهم‌تر در این زمینه و آرای که بیشترین ارجاع را از سوی سایر نهادهای قضایی داخلی و منطقه‌ای داشته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- رد هرگونه نظارت قضایی از سوی دادگاه‌ها با دیدگاه

دوآلیسم

دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای با این دیدگاه که نظام حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی دو نظام حقوقی مجزا هستند، اقدامات داخلی دولت‌ها را از قطعنامه‌های شورای امنیت جدا دانسته‌اند. بنابراین این دادگاه‌ها صلاحیت بررسی تعهدات بین‌المللی را برای خود نشناخته‌اند. بنابراین باتوجه به دیدگاه دوآلیسم نمی‌توان تعارض میان هنجارهایی را که بخشی از همان نظام حقوقی نیستند، بررسی نمود. این دادگاه‌ها دو نگرش اصلی را در رد امکان کنترل قضایی در پیش گرفته‌اند.

استناد به صلاحیت شخصی دیوان اروپایی حقوق بشر و وجود شخصیت حقوقی برای سازمان ملل از خود رد صلاحیت نموده است (ECHR, 2007: paras 146-148).

در پایان دادگاه نتیجه می‌گیرد که درخواست آقای بهرامی و صراماتی علیه دولت فرانسه و نروژ غیرقابل‌پذیرش است و منتسب به سازمان ملل می‌باشد، چراکه سازمان ملل «کنترل نهایی» را در اقدامات صورت‌گرفته در اختیار داشته است و همچنین یک دادگاه منطقه‌ای قادر نیست اقدامات سازمان ملل را مورد بررسی قرار دهد (ECHR, 2007: para 153).

دیدگاه دوم که توسط دادگاه‌ها اتخاذ گردیده است و البته همان نتایج را در پی دارد، آنست که اقدامات داخلی دولت‌ها منتسب به آنان دانسته شده است، اما ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد امکان هرگونه نظارت قضایی را سلب نموده است. نمونه مهم آنکه بسیار مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است، رأی دادگاه بدوی دیوان دادگستری اروپایی در پرونده «کادی و شرکت البرکات» می‌باشد.

آقای «کادی» و شرکت وی با نام «البرکات» در اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت در فهرست اشخاص مظنون به حمایت از تروریسم قرار گرفت. این مسأله زمینه طرح دعوی از سوی ایشان در نزد دیوان دادگستری اروپایی را ایجاد نمود. دادگاه بدوی در رسیدگی خود چنین استدلال نمود از آنجایی که قطعنامه‌های شورای امنیت برای دولت‌های عضو الزام‌آور هستند و الزام‌آور بودن آن بر مبنای عرف بین‌المللی نیز اثبات‌شده است، نمی‌

توان به قواعد داخلی کشورها برای فرار از اجرای آن‌ها استناد نمود. بنابراین قطعنامه‌ها از حوزه صلاحیتی دادگاه خارج‌اند و دادگاه نمی‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم به مشروعیت یا عدم آن بپردازد (FCI, 2005: para 182). در جای دیگر از رأی دادگاه به‌خوبی مشخص است که قطعنامه‌های شورای امنیت از نظر دادگاه به‌عنوان قاعده آمره یا قواعد اصلی حقوق بین‌الملل تلقی می‌شوند (FCI, 2005: para 231).

دادگاه بیان داشت که درخصوص رابطه میان منشور ملل متحد و حقوق داخلی کشورهای عضو، قاعده از تقدم اصول حقوق بین‌الملل عرفی نشأت می‌گیرد. به‌علاوه درخصوص رابطه میان منشور ملل متحد و حقوق معاهدات بین‌المللی، قاعده تقدم

در دیدگاه اول دادگاه‌ها اقدامات صورت‌گرفته را منتسب به سازمان ملل دانسته‌اند، لذا صلاحیتی بر بررسی اقدامات سازمان ملل نداشته‌اند. در پرونده «بهرامی و صراماتی علیه نروژ و فرانسه» این دیدگاه توسط دادگاه پذیرفته شد. آقای بهرامی یکی از شاکیان پرونده نیروهای (KFOR)^۱ را مسؤوّل مرگ و صدمه به فرزندانش دانسته و اظهار داشت این نیروها می‌باید اقدام به جمع‌آوری مین‌ها می‌نمودند (Bahrami v. France, 2007). آقای صراماتی نیز در سال ۲۰۰۱ به اتهام عضویت در گروه‌های مسلح در مرزهای میان کوزوو و جمهوری یوگسلاوی سابق، توسط پلیس (UNMIK)^۲ بازداشت گردید و اموال و پول‌های وی توقیف گردید. آن‌ها اعلام داشتند که این عمل را براساس قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت انجام داده‌اند و این اقدام برای حفظ صلح و امنیت منطقه ضروری بوده است. پس از انجام تحقیقات و جلسات متعدد دادگاه وی آزاد گردید و تبرئه شد (ECHR, 2007: 5-17).

این اقدام منجر به طرح دعوی از سوی آقای بهرامی علیه دولت فرانسه و آقای صراماتی علیه دولت فرانسه، نروژ و آلمان در دادگاه اروپایی حقوق بشر گردید. دادگاه در بررسی خود به این نتیجه دست یافت که هدف اولیه سازمان ملل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، درحالی‌که آشکار است تضمین احترام به حقوق بشر در گرو دستیابی به صلح بین‌المللی است. حقیقت این است که شورای امنیت مسؤولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را دارا می‌باشد، در این مورد شورای امنیت بر مؤثر بودن و حمایت از سوی دولت‌های عضو تکیه نموده است. بنابراین کنوانسیون اروپایی نمی‌تواند به روشی تفسیر گردد که فعل یا ترک فعل دولت‌های عضو را در مقابل قطعنامه‌های شورای امنیت قرار دهد. بنابراین دولت‌های خوانده عضو در نیروهای ائتلافی سازمان ملل می‌باید در راستای اجرای قطعنامه شورای امنیت اقدام مؤثر را انجام می‌دهند (ECHR, 2007: para 145).

در پرونده «بهرامی و صراماتی» دادگاه به مسأله نظارت بر قطعنامه‌های شورای امنیت اشاره نموده و به صراحت وجود هرگونه صلاحیتی برای ارزیابی اقدامات شورای امنیت از سوی دادگاه‌های داخلی را رد نموده است. دادگاه به‌صورت مختصر با

^۱ - Kozovo Force (KFOR)

^۲ - The United Nations Interim Administration Mission in Kosovo (UNMIK)

که اقدام به تفسیر اقدامات دولت‌ها در اجرای قطعنامه‌ها نمایند، ارزیابی بین‌المللی قطعنامه شورای امنیت محسوب نمی‌گردد، بلکه این عمل تنها ممکن است شیوه اجرای قطعنامه را تحت تأثیر قرار دهد.

باتوجه به اینکه راهنمایی بین‌المللی در مورد چگونگی تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت وجود ندارد، این مسأله روش‌های متعدد از سوی دادگاه‌ها را ایجاد نموده است، کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات بین‌المللی می‌تواند راهنمایی مهم در تفسیر معاهدات بین‌المللی باشد، اگرچه دادگاه‌ها به تفسیر قطعنامه‌ها پرداخته‌اند، اما اصول تفسیر در آن کنوانسیون در مورد قطعنامه‌ها نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد (Hollenberg, 2013: 172).

یکی از روش‌هایی که دادگاه‌ها در پیش گرفته‌اند تفسیر باتوجه به هدف و موضوع قطعنامه است، از جمله در پرونده «منع تحصیل و آموزش دانشجویان ایرانی تبار در هلند» دولت هلند در اجرای قطعنامه ۱۷۳۷ (۲۰۰۶) شورای امنیت برخی اشخاص ایرانی را مشمول تحریم قرار داد. این تحریم‌ها شامل رشته‌های علمی، از جمله علوم هسته‌ای و فناوری موشکی و انجام پروژه‌های تحقیقاتی در مراکز تحقیقات هسته‌ای می‌گردید. بر این اساس تعدادی از دانشجویان و اساتید ساکن در هلند در دادگاه حقوقی شهر لاهه علیه دولت هلند اقامه دعوی نمودند (HAC, 2011: para 2).

هم دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر لاهه بدین نتیجه رسیدند که تصمیم دولت هلند نقض ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. دادگاه اذعان داشت که تبعیض صورت گرفته براساس ملیت تنها زمانی می‌تواند صورت گیرد که دارای هدفی مشروع و برای دستیابی به آن هدف با رعایت اصل تناسب باشد. درحقیقت دولت هلند باید در دادگاه به اثبات می‌رساند که تبعیض صورت گرفته در راستای هدف جلوگیری از گسترش فعالیت‌های هسته‌ای ایران از طریق کسب علم و دانش، یعنی همان هدف قطعنامه بوده است (HAC, 2011: para 5). درنهایت دولت هلند نتوانست اثبات نماید که اقداماتش در راستای هدف بوده است (HAC, 2011: para 6). در اینجا دادگاه محدودیتی برای بررسی قضایی قطعنامه قائل نبوده و به بررسی تعهدات دولت هلند براساس قطعنامه و اصل

منشور در ماده ۱۰۳ منشور آمده است. دادگاه به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «نیکاراگوئه» اشاره نمود و بیان می‌دارد که در آنجا دیوان قاعده تقدم مندرج در ماده ۱۰۳ منشور را به تصمیمات و قطعنامه‌های شورای امنیت قابل تسری دانست. دادگاه اشاره داشت که قطعنامه‌های فصل هفتم منشور برای دولت‌ها الزامی است و جامعه اروپایی را متعهد به رعایت قطعنامه‌های شورای امنیت دانست.

دادگاه نظارت قضایی را یک اصل کلی حقوقی دانست که در ماده ۶ و ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز دیده می‌شود، اما بازبینی مصوبات نهادهای جامعه در پرتو اصول کلی جامعه اروپایی، بازبینی غیرمستقیم قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت است و نظارت غیرمستقیم بر قطعنامه‌های شورای امنیت را نقض تعهدات مواد ۲۵، ۴۸، ۱۰۳ منشور و ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات و مواد ۵، ۱۰، ۲۹۷ و ۳۰۷ معاهده جامعه اروپایی دانست (FCI, 2005: para 274).

دلیل دادگاه برای این نتیجه‌گیری آن بود که این حق در زمره قواعد آمره بین‌المللی قرار نگرفته است. بنابراین می‌تواند توسط یک تصمیم شورای امنیت مورد تخطی قرار گیرد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۳-۱۸۶).

دادگاه سوئیس در پرونده Al-Dulimi نیز ادعای خواهان در مورد نقض حقوق وی در اجرای تحریم‌های شورای امنیت براساس قطعنامه ۱۴۸۳ را نپذیرفت (Al-Dulimi, 2016). دادگاه بیان داشت که براساس ماده ۱۰۳ منشور، دولت سوئیس متعهد به تصمیمات شورای امنیت است و دادگاه‌های این کشور صلاحیت بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت را دارا نمی‌باشند و تنها محدودیت در این مورد نقض قواعد آمره بین‌المللی است، لذا دادگاه صلاحیت خود را در این مورد نپذیرفت (Peters, 2013).

۱-۲- تفسیر قطعنامه‌ها

تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی دولت‌ها روش مهمی در اجرای آن‌ها می‌باشد. بسیاری از قطعنامه‌ها دارای محدوده گسترده و واژگان موسع می‌باشند، لذا تفسیر گریزناپذیر است. این تفسیر از سوی نهادهای مختلف دولتی صورت می‌گیرد و ارکان قضایی داخلی نیز در موارد بررسی اقدامات دولت‌ها در نقض حقوق افراد اقدام به آن نموده‌اند، البته دادگاه در مواردی

تعهدات کلی و عمومی جامعه در اجرای قواعد حقوق بین‌الملل را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در قضیه *کادی* نیز آنچه انجام گرفته است، در حیطه وظایف جامعه بوده و به تعهدات و حقوق بین‌الملل ارتباطی ندارد.

از دیدگاه دیوان نقض حقوق بشر توسط اتحادیه اروپا قابل اغماض نخواهد بود. دیوان اظهار داشت تمامی اشخاصی که مشمول تحریم‌های شورای امنیت قرار گرفته‌اند، باید بتوانند از حقوق بنیادین خود محافظت نمایند و از حق رسیدگی قضایی کامل برخوردار باشند (ECR, 2013: para 97).

دیوان دادگستری اروپایی در رأی تجدیدنظر تأکید نمود: «حقوق اساسی که یکی از آن‌ها حمایت قضایی است بخش جدایی‌ناپذیر اصول اساسی و بنیادین اتحادیه اروپاست. این اصول نمی‌تواند به وسیله یک توافقنامه بین‌المللی نقض گردد، حتی اگر این توافقنامه منشور یا معاهده دیگری باشد و علی‌رغم این حقیقت که معاهدات بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل دارای برتری هستند و سیستم نظارت قضایی موجود در اتحادیه اروپا می‌تواند حمایت از حقوق افراد را تضمین نماید» (ECR, 2013: paras 127-128). دادگاه در چنین نظارتی را عادلانه و در راستای تعادل میان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و تضمین حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد می‌داند (ECR, 2013: para 131).

دیوان دادگستری اروپایی در پرونده «کادی» با نگاهی کثرت‌گرایانه به قواعد حقوقی در پی حل مسأله ارتباط میان اتحادیه اروپا و نظام حقوق بین‌الملل برآمده است. بنابراین دادگاه حقوق اساسی اتحادیه را به‌عنوان مجموعه قوانین عالی سرزمینی شناخت و تعهدات برآمده از سازمان ملل را هم‌ردیف با دیگر معاهدات بین‌المللی دانسته و در مقابل قوانین برتر اتحادیه اروپا در درجه‌ای پایین‌تر قرار داده است (De Sena & Vitucci, 2009: 869).

رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده «نادا» مشابه رویکرد دیوان دادگستری جوامع اروپایی در پرونده «کادی» بود با این تفاوت که دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده «نادا» در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مبادرت به بازبینی قضایی تدابیر و اقدامات دولت سوئیس نمود و دیوان دادگستری جوامع اروپایی در پرونده «کادی»، مصوبات نهادهای جوامع

ممنوعیت تبعیض براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پرداخت (HAC, 2011: para 2.7).

برخی از دادگاه‌ها با این فرضیه اقدام به تفسیر نموده‌اند که شورای امنیت هیچ‌گاه در تعارض با تعهدات بین‌المللی دولت‌ها اقدام به صدور قطعنامه نمی‌نماید.

روش این دادگاه‌ها زنگ خطر را برای شورای امنیت به صدا درآورد که در نگارش قطعنامه خصوصاً در موضوعات حقوق بشری توجه بیشتری داشته باشد.

آنچه که دادگاه‌ها در تفسیر قطعنامه‌ها می‌باید مورد توجه قرار دهند، اصل «مؤثر بودن» یک قطعنامه می‌باشد. تفسیر یک دادگاه با هر روش، نباید در تقابل با تأثیرگذاری یک قطعنامه شورای امنیت قرار گیرد و این مسأله به دلیل اهمیت قطعنامه‌های صادره از فصل هفتم و در شرایط نقض یا تهدید صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، البته دادگاه‌ها در مواردی که اقدام به تفسیر اقدامات دولت‌ها نموده‌اند، به معنای تفسیر قطعنامه نمی‌باشد و آثار آن در نظام حقوق داخلی است.

۱-۳- نظارت قضایی از سوی دادگاه‌ها براساس حقوق بین‌الملل

این نوع نظارت قضایی، نظارت مستقیم نمی‌باشد، چراکه این دادگاه‌ها واقف هستند که صلاحیت اعلام بی‌اعتباری یک قطعنامه را دارا نمی‌باشند. در چنین مواردی دادگاه درخصوص قانونی بودن اقدامات دولت‌ها اظهارنظر نموده‌اند و در جایگاه اظهار نظر نسبت به قانونی بودن قطعنامه‌ها از این مسأله دوری نجسته‌اند، اما در عین حال چنین بررسی بسیار محترمانه صورت گرفته است. این رویه در رأی دیوان دادگستری اروپایی در پرونده «کادی» و همچنین در رأی صادره از دادگاه فدرال سوئیس در قضیه «نادا» قابل مشاهده می‌باشد، اگرچه در نهایت هر دو دادگاه قانونی بودن اقدامات مورد اعتراض را تأیید نمودند.

آقای *کادی* از رأی دادگاه بدوی در دیوان دادگستری اروپایی اعتراض نمود. در ۳ سپتامبر ۲۰۰۸ شعبه عمومی دیوان دادگستری اروپایی رأی نهایی خود را صادر کرد (Kadi et al, 2008). دیوان در این رأی روشی کاملاً مخالف با نظر شعبه بدوی اتخاذ نمود. دیوان دادگستری اروپایی اعلام نمود که حقوق مطروحه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌عنوان اصول کلی حقوقی محسوب می‌شوند و قانونی بودن اقدامات جامعه اروپا فقط در گرو احترام کامل به این قواعد است، البته

را بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل و یا حتی قواعد آمره داشته باشند.

با این حال چنین تصمیماتی از لحاظ بین‌المللی الزام‌آور نیستند، به این دلیل که تصمیمات این نهادها تنها برای طرفین اختلاف مؤثر می‌باشد، همچنین آن‌ها صلاحیت نظارت بر قواعد عالی و برتر حقوق بین‌الملل را ندارند، بنابراین چنین تصمیماتی داخلی بوده و تنها در همان مورد خاص الزام‌آور می‌باشند (Tzanakopoulos, 2011: 106-107).

زمانی می‌توان نظارت دادگاهها را مؤثر دانست که صلاحیت اعلام بی‌اعتباری و یا لغو تصمیمات گرفته‌شده از سوی شورای امنیت را داشته باشند. چنین صلاحیتی برای نهادهای قضایی داخلی که متعهد به رعایت تصمیمات شورای امنیت می‌باشند، وجود ندارد (De Wet & Nollkaemper, 2003: 198).

۳- آثار آرای دادگاههای داخلی و منطقه‌ای

مسئلاً آرای متعدد صادرشده از سوی این دادگاهها آثار فراوانی را بر شیوه اعمال تحریمها از سوی شورای امنیت و همچنین صدور سایر قطعنامه‌های فصل هفتم داشته است.^۱

^۱ برای مثال پس از رأی آقای کادی مبنی بر نقض حقوق وی در اجرای تحریمهای شورای امنیت و همچنین رأی (نبیل صیادی و پاتریشیا وینک) از سوی کمیته حقوق بشر مبنی بر نقض مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (, HNHRC, 2008: paras 18-20) و همچنین رأی (عبدالرازیک علیه کانادا) که دادگاه اعلام داشت کانادا در اعمال تحریمها علیه القاعده حقوق این شخص را در نظر نگرفته است، در سال ۲۰۰۹ شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۹۰۴ اقدام به اصلاح نمود و دفتر بازرسان را جهت نظارت بر تحریمها علیه القاعده و طالبان را ایجاد نمود (UNSCR, 2009: paras 20-27). در سال ۲۰۱۰ نیز پس از شکایت (Ahmed v. HM Treasury) شورای امنیت اقدام به صدور قطعنامه ۱۹۸۹ نموده و مقررات در مورد خروج نام افراد از لیست تحریمهای القاعده را اصلاح نمود (UNSCR, 2010: para 42). در سال ۲۰۱۲ نیز در پی شکایت (نادا علیه دولت سوئیس) و ارائه گزارشات متعدد از سوی کمیته حقوق بشر در مورد تقویت جایگاه بازرسان و افزایش نظارت بر رفتار دولت‌ها، شورای امنیت در همان سال قطعنامه ۲۰۸۳ را صادر و معافیت‌های بشردوستانه را اعمال نمود. پس از رأی تجدیدنظر کادی در سال ۲۰۱۳، در ژوئن سال ۲۰۱۴ شورای امنیت قطعنامه ۲۱۶۱ را صادر و توجه ویژه‌ای را به مسئله اشتباهات صورت‌گرفته و انجام اصلاحات در لیست تحریمها و نحوه خروج نام افراد از این لیست نشان داد. همچنین در قطعنامه ۲۲۵۳ برخی از معافیت‌های بشردوستانه را درخصوص رژیم تحریم علیه طالبان قائل گردید (UNSCR, 2015: paras 17-22). این قطعنامه‌ها نشانگر اهمیت نقش دادگاهها در اعمال تحریمهای شورای امنیت می‌باشد. شورای امنیت نیز نشان داده است تلاش زیادی برای افزایش «مشروعیت» و «تأثیرگذاری» قطعنامه‌ها می‌نماید.

اروپایی را در چارچوب اصول کلی حقوقی جامعه مورد بازبینی قرار داد. شعبه بدوی دیوان اروپایی حقوق بشر در اینجا اشاره نمود که دولت‌ها می‌توانند روش‌های اجرای قطعنامه را براساس نظم حقوق داخلی خود برگزینند. شورای امنیت به دولت‌ها تعهد به نتیجه را تحمیل می‌نماید و دولت‌ها در انتخاب ابزارهای اجرای مؤثر قطعنامه آزاد هستند (ECHR, 2012: 176). با این حال دولت‌ها متعهد هستند در انجام قطعنامه‌های شورای امنیت تا حد ممکن هماهنگ با تعهدات حقوق بشری خود عمل نمایند (ECHR, 2012: 197).

مسئلاً تصمیم این دادگاهها، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را که همگی عضو سازمان ملل بوده‌اند، در وضعیتی مشکل قرار داده، آن‌ها مجبور می‌شوند که یا از تصمیمات دادگاهها پیروی نمایند و یا قطعنامه‌ای شورای امنیت را بپذیرند که در مواردی می‌تواند موجب مطرح‌شدن مسؤلیت این دولت‌ها تحت هر دو رژیم گردد (بهفر، ۱۳۹۶: ۱۰۷۶).

۲- صلاحیت دادگاههای ملی و منطقه‌ای در نظارت بر قطعنامه‌های شورای امنیت

نقش دادگاههای داخلی نشان‌دهنده گسترش صلاحیت قضایی آن‌ها و افزایش اختیارات و البته استقلال قضایی می‌باشد. امروزه دادگاههای داخلی تنها تابعان اجراکننده حقوق بین‌الملل نیستند، بلکه می‌توانند در زمینه شکل‌گیری «حقوق نرم» تأثیرگذار باشند. این دادگاهها به‌عنوان مفسران و توسعه‌دهندگان حقوق بین‌الملل فعالیت می‌کنند. باتوجه به آنکه دولت‌ها اجراکنندگان اصلی قطعنامه‌ها می‌باشند و از این جهت صلاحیت تفسیر آن را نیز دارا هستند، دادگاهها به‌عنوان ارگان قضایی دولت صلاحیت تفسیر قطعنامه‌ها را دارا هستند.

از جنبه حفظ حقوق افراد و نهادها این مسأله مهمی است، زیرا عدم طرح چنان دعوی به‌معنای آزادی دولت‌ها در استفاده از ابزارها و اقدامات قانونی در اجرای قطعنامه می‌باشد. این مسأله موجب گردیده است شورای امنیت در صدور تحریم علیه اشخاص دقت بیشتری نموده و حقوق بنیادین بشر را مدنظر قرار دهد و باتوجه به نبود سازوکارهای مناسب جهت خارج‌نمودن یا اعتراض اشخاص به لیست تحریم دقت بیشتری در واردنمودن نام اشخاص داشته باشد. دولت‌ها تابعان اصلی حقوق بین‌الملل هستند و دادگاهها به‌عنوان ارگان دولت‌ها می‌توانند آثار زیادی

تمامی تحریم‌های اعمال شده براساس ماده ۴۱ منشور برای کشور و قضات ایرانی لازم‌الاتباع می‌باشد. ضرورت رعایت تعهدات بین‌المللی ایجاب می‌نماید که در موارد مواجهه با پرونده‌هایی که موضوعات تعهدات بین‌المللی در آن‌ها مطرح می‌گردد، از نظر مشاوران و متخصصان بهره‌مند گردند، زیرا عدم توجه به آثار رأی صادره می‌تواند مسؤلیت بین‌المللی دولت ایران را در پی داشته باشد. با این حال قضات آشنا به قواعد و تعهدات بین‌المللی می‌توانند به بهره‌گیری از نقش مؤثر تفسیر قطعنامه‌ها، تا حد امکان آثار آن را کاهش دهند و در توسعه و ترقی قواعد حقوق بین‌الملل نقش‌آفرین باشند.

۵- معیارهای نظارت قضایی دادگاه‌ها

در بررسی ارتباط میان اقدامات داخلی دولت‌ها و تصمیمات شورای امنیت طیف گسترده‌ای از موضوعات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دادگاه‌ها آگاه هستند که نظارت آن‌ها بر اقدامات اجرایی دولت‌های عضو به صورت غیرمستقیم منجر به نظارت بر قطعنامه‌های شورای امنیت می‌گردد.

باتوجه به این موضوع که بازنگری در اقدامات داخلی دولت‌ها تأثیرگذار بر نحوه اجرای قطعنامه شورای امنیت می‌باشد، باید در نظر داشت معیارهای مورد نظر باید قوی بوده و مبتنی بر تعهدات بین‌المللی دولت‌ها باشند.

۵-۱- نظارت بر مبنای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

ماده ۲۴ بند ۲ منشور به صراحت شورای امنیت را در مسؤلیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مکلف به رعایت اهداف و اصول ملل متحد دانسته و مقرر نموده است: «شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل خواهد نمود.» از آنجا که رعایت حقوق بشر به‌عنوان یکی از اهداف منشور ملل متحد و موازین حقوق بین‌الملل غیرقابل‌تردید است، شورای امنیت در اقدامات خود باید موازین حقوق بشر را در نظر گیرد (Tzanakopoulos, 2010: 23).

دادگاه‌های داخلی در اعلام بی‌اعتباری اقدامات مورد اعتراض اشخاص، مسأله حمایت از حقوق بنیادین اشخاص خصوصاً «حق بر خوردهاری از محاکمه منصفانه»، «حق دسترسی به دادگاه»، «حق آزادی رفت و آمد» و «حق جبران خسارت مؤثر» و «حق مالکیت» را مطرح نمودند. این‌ها اصولی هستند که در معاهدات بین‌المللی، از جمله کنوانسیون اروپای حقوق

با این حال امکان اعلام لغو یا بی‌اعتباری قطعنامه صادره از سوی دادگاه‌های داخلی وجود ندارد. دولت‌ها براساس ماده ۲۵ منشور متعهد به رعایت تصمیمات براساس فصل هفتم منشور ملل متحد می‌باشند، بنابراین این امر می‌تواند ترمز دولت‌ها را موجب گردیده و منجر به طرح مسؤلیت بین‌المللی دولت گردد (Tzanakopoulos, 2011: 113-130). زمانی که اقدامات دولت در اجرای تعهدات بین‌المللی آن بی‌اعتبار اعلام گردد، دولت‌ها نمی‌دانند از تصمیمات دادگاه‌های داخلی خود پیروی نمایند و یا تعهدات بین‌المللی را انجام دهند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۰).

همچنین این مسأله می‌تواند مؤثر بودن شورای امنیت را در موارد تهدید صلح و یا نقض صلح محدود نماید. شورای امنیت برای انجام وظیفه مهم حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر همکاری دولت‌های عضو متکی می‌باشد و عدم همکاری دولت‌ها در موارد ضروری شورای امنیت را با مسائل اساسی مواجه می‌نماید.

مسأله نظارت بیرونی حقیقی بر قطعنامه‌های شورای امنیت نیز بسیار دور به نظر می‌رسد، چراکه اعضای دائم شورای امنیت به دلیل مؤثر بودن سیستم امنیت جمعی با این امر مخالف هستند. با این حال شورای امنیت علی‌رغم تمامی بحث‌ها در مورد اقدام مؤثر و هماهنگ نمی‌تواند حقوق اشخاص ثالث خصوصاً افراد را نادیده بگیرد. تردیدی در صلاحیت دادگاه‌های داخلی در حمایت از قواعد آمره بین‌المللی وجود ندارد، این مسأله در آرای متعددی که قبلاً به آن‌ها اشاره شده است، تأیید گردیده است، اما گستره قواعد آمره بین‌المللی محدود است و حقوق مورد ادعای افراد و نهادها در زمره آن قرار نمی‌گیرد. همچنین ممکن است دولت‌ها به بهانه عدم نقض حقوق بشر از مسؤلیت اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت خود را برهانند (Peters, 2013). چنانچه دولت‌ها خود را محق بدانند در مواردی که قطعنامه را غیرقانونی تشخیص دهند، ترمز نمایند، هزینه‌های بسیاری برای سازمان ملل خواهد داشت (Dewet & Nollkaemper, 2011: 197).

۴- رویکرد دادگاه‌های ایران

قضات ایرانی نیز همگام با نظام‌های قضایی کشورهای دیگر ملزم به تبعیت از کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت می‌باشد و این امر به موجب ماده ۲۵ منشور ملل متحد تأیید گردیده است.

بشر و کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وجود دارند، حتی از دیدگاه برخی می‌توانند جزء قواعد آمره نیز قرار گیرند.

نحوه تهیه لیست اشخاص مورد تحریم انتقادات را درخصوص عدم رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برانگیخته است. اشخاص مورد تحریم باید بتوانند دفاعیات خود را علیه اتهاماتی که علیه آنان مطرح می‌گردد، ارائه دهند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۰)، درحالی‌که افراد تنها زمانی می‌توانند اقدام به ارائه دلایل خود نمایند که نام آن‌ها در فهرست قرار گرفته است و نحوه خروج نام افراد از فهرست بسیار مشکل می‌باشد. بنابراین تنها راه طرح دعوی علیه دولت‌ها درخصوص اقدامات صورت گرفته می‌باشد، اگرچه دولت‌ها ملزم گشته‌اند تمامی دلایل را بررسی کنند و ارزیابی دقیق و قانع‌کننده‌ای به عمل آورند، با این حال نمی‌تواند انتظارات اشخاص مورد تحریم و نهادهای قضایی را برآورده سازد (Michaelson, 2009: 329-345).

«حق برخورداری از محاکمه منصفانه» یکی از اصول کلی حقوقی اتحادیه اروپا می‌باشد که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا تأیید گردیده است. بر این اساس هر شخص می‌باید امکان استفاده از ابزارهای قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشد (شایگان، ۱۳۹۰: ۱۹۰). این حق زمینه طرح بسیاری از دعاوی علیه قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را صادر نمود. برای مثال قطعنامه‌های صادره جهت اعمال تحریم بر گروه تروریستی داعش زمینه طرح دعاوی جدید را در نزد دادگاه‌های داخلی، ازجمله دادگاه‌های کشور پاکستان و دادگاه‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا مطرح نمود (Cockayne et al, 2018: 39).

۵-۲- نظارت بر اساس معیار «قواعد آمره»

قواعد آمره حقوق بین‌الملل دارای دو خصوصیت اساسی هستند: یکی آنکه قابل تخطی نیستند، زیرا درهرحال باید رعایت گردند؛ دیگر اینکه تمامی نهادهای حقوق بین‌الملل فارغ از قید و بندهای تقابل در حقوق قراردادی، در اجرای این اصول در قبال دولت‌های دیگر مکلف هستند. سازمان‌های بین‌المللی نیز در انجام وظایف خویش ملزم به تبعیت از قواعد آمره می‌باشند. شورای امنیت نیز از این امر مستثنی نبوده و درصورت نقض این مقررات مسؤولیت بین‌المللی خواهد داشت. با این حال شورای امنیت در مواردی با صدور قطعنامه‌ها خود را

در معرض اتهام نقض قواعد آمره بین‌المللی قرار داده است^۱، مسلماً چنین قطعنامه‌هایی باطل و بی‌اعتبار است (Orakhelashvili, 2005: 62-63). در عین حال مرجع صالح جهت اعلام بی‌اعتباری چنین قطعنامه‌هایی در حقوق بین‌الملل مشخص نگردیده است (Orakhelashvili, 2005: 82). این مسأله نمی‌تواند در اختیار دادگاه‌های داخلی و یا منطقه‌ای قرار گیرد، چرا صلاحیت رسیدگی به اقدامات سازمان‌های بین‌المللی را دارا نمی‌باشند؟ اگرچه در بررسی آرای صادره به نظر می‌رسد نهادهای قضایی خود به چنین مسأله‌ای واقف بوده‌اند، با این حال در مواردی که مسأله عدم صلاحیت آنان مغفول مانده است و دادگاه‌ها اقدام به اظهارنظر قضایی درخصوص مطابقت قطعنامه‌های شورای امنیت با قواعد آمره بین‌المللی نموده‌اند. گستره و محدوده قواعد آمره بین‌المللی در آرای این دادگاه‌ها به‌درستی مشخص نمی‌باشد. در برخی از آرای قضات دادگاه تعهدات حقوق بشر را جزء قواعد آمره دانسته‌اند، اما مشخص نموده‌اند کدام‌یک از این تعهدات در دسته قواعد آمره می‌باشند و چه معیارهایی را برای چنین مشخصه‌ای در نظر گرفته‌اند. برای مثال دادگاه بدوی در پرونده «کادی» حق بر دادرسی منصفانه و دسترسی به دادگاه را جزء قواعد آمره دانسته است (Orakhelashvili, 2007: 181).

نتیجه‌گیری

قطعنامه‌های فصل هفتم شورای امنیت جایگاه ویژه‌ای را در نظم نوین جهانی دارا می‌باشد و در میان آن تحریم‌ها به ابزاری قدرتمند برای مقابله با بحران‌های بین‌المللی بدل گشته‌اند. این امر موج‌فرزاینده‌ای از دادخواهی علیه دولت‌ها و همچنین شورای امنیت را در نزد دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای ایجاد نموده است. به نظر نمی‌رسد به زودی شاهد شکل‌گیری مکانیسم‌های نظارتی مؤثر و قدرتمند در سطح بین‌المللی باشیم، لذا همچنان بهترین گزینه برای افراد و نهادها مراجعه به نهادهای قضایی داخلی و منطقه‌ای خواهد بود.

این مسأله چالش‌های جدیدی را برای شورای امنیت ایجاد

^۱ ازجمله مواردی که شورای امنیت متهم به نقض قواعد آمره گشته است، می‌توان به قطعنامه‌های ساده درخصوص لیبی در پرونده لاکربی اشاره نمود (S/RES/731,748, 1992) یا در اعمال تحریم‌های شورای امنیت علیه یوگسلاوی تبعیت از قطعنامه شورای امنیت عملاً مانع اعمال حق دفاع مشروع بوسنی و پیشگیری از نسل‌کشی گردید (ICJ, 1993: 438-439).

آثار منفی نیز غافل ماند. این امر در بلندمدت می‌تواند منجر به چند پارگی در حقوق بین‌الملل و افزایش تمرد از قطعنامه‌های شورای امنیت گردد.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بهفر، ملیحه (۱۳۹۶). «مشروعیت ارزیابی دولت‌ها در اجرای قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت با تأکید بر عملکرد اتحادیه اروپا». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۷(۴): ۱۰۶۷-۱۰۸۶.

- شایگان، فریده (۱۳۹۰). «تحریم‌های هدفمند شورای امنیت و حق اشخاص هدف بر دادرسی منصفانه». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۱(۴): ۱۷۹-۱۹۸.

- علیزاده، مسعود و زرنشان، شهرام (۱۳۹۶). «تأملی بر نظام تصویب و نظارت بر تحریم‌ها در اتحادیه اروپا». *مجله مطالعات حقوقی*، ۹(۴): ۲۰۹-۲۴۴.

- موسوی، سیدفضل‌الله؛ چهل‌تنی، سیدمهدی و موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل رأی کادی علیه شورای اتحادیه اروپا». *فصلنامه پژوهش حقوقی*، ۱۴(۳۶): ۱۸۵-۲۰۶.

ب. منابع انگلیسی

- Cockayne, J; Brubaker, R & Nadeshda, J (2018). *Fairly Clear Risks: Protecting UN Sanctions Legitimacy and Effectiveness Through Fair and Clear Procedures*. New York: United Nations University.

- De Sena, P & Vitucci, M (2009). "The European Courts and the Security Council: Between Dédoulement Fonctionnel and Balancing of Values". *European Journal of International Law*, 20(3): 889-896.

نموده است. در این شرایط صدور قطعنامه‌هایی عادلانه و بدور از هرگونه ابهام ضروری است. شورای امنیت باید به دنبال کاهش هرچه بیشتر آثار غیرانسانی و نقض حقوق بشر از طریق قطعنامه‌ها باشد، البته شورای امنیت نشان داده است تلاش خود را در این زمینه افزایش داده است. در موارد تفویض اختیار به دولت‌ها در اجرای قطعنامه‌های توسل به زور، شورای امنیت دولت‌ها را ملزم به گزارش‌دهی منظم نموده است. از این جهت تلاش در جهت نظارت بر دولت‌ها در اقدامات قهری داشته است، اما این مسأله نیازمند بازوهای اجرایی قوی‌تری می‌باشد. دبیر کل سازمان ملل می‌تواند نقش مهمی را در گزارش‌دهی به شورای امنیت و جلب توجه دولت‌ها در آثار غیرانسانی یک قطعنامه داشته باشد. روش دیگر برای کاهش آثار منفی بیان آشکار و صریح هدفی می‌باشد که اختیارات تفویض شده است و همچنین تعیین محدوده زمانی مشخص در اجرای قطعنامه نیز مؤثر خواهد بود.

در اعمال تحریم‌ها شورای امنیت انعطاف بیشتری نشان داده است و با اصلاح سیستم مدیریت و نظارت بر تحریم، از جمله به‌کارگیری کمیته‌های تحریم و بهره‌مندی از نظرات کارشناسان سعی در کاهش انتقادات نسبت به اقداماتش را دارد، حتی در مواردی با صدور قطعنامه‌های بعدی و اعمال معافیت‌های بشردوستانه آثار حقوق بشری آن را کاهش داده است. با این وجود، نظام گزارش‌دهی از سوی دولت‌ها نیازمند ضمانت اجرای قوی‌تر بوده و به‌روزرسانی فهرست اشخاص مورد تحریم می‌باید کارآمدتر گردد. تهیه لیست‌ها باید با شفافیت بیشتر باشد و دلایل دولت‌ها برای رد تقاضای افراد درخصوص خروج از فهرست اشخاص مورد تحریم تقویت گردد، اگرچه دولت‌ها در اجرای قطعنامه آزاد هستند و شیوه‌های اجرا را خود و البته در محدوده قواعد بین‌المللی انتخاب می‌نمایند، اما باید تلاش نمایند حقوق بشر و حقوق اساسی افراد در نهایت احترام باشد و تا حد ممکن آثار سوء قطعنامه‌ها را کاهش دهند.

در این میان دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای نقش مؤثری را در الزام‌آوری مقررات حقوق بشر ایفا می‌نمایند. آرای صادره نقش مؤثری را در محدود نمودن اقدامات دولت‌ها داشته و به دلیل نظارت بر اقدامات اجرایی دولت‌ها در مورد اقدامات بعدی نیز اثرگذار بوده است. دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای نقش مثبت و مؤثری را در توسعه حقوق بین‌الملل داشته‌اند، اما نمی‌توان از

- Bahrami and Bahrami v. France, Application No.71412/01, Saramati v. France (2007). Germany and Norway Application No.78166/01, European Court of Human Rights, Grand Chamber Decision As to Admissibility.
- Bosnia v. Yugoslavia (1993). The Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide Provisional Measures, ICJ Report 1993.
- Her Majesty's Treasury v Mohammed Jabar Ahmed and others (2010). Available at: <https://www.supremecourt.uk/cases/uksc-2009-0016.html>.
- Judgment of the Court (Grand Chamber) (2013). European Commission and Others v Yassin Abdullah Kadi Appeal, C-584/10 P.
- Kadi and Al Barakaat International Foundation v Council and Commission (2008). ECR I-6351, (Cases C-402/05 P and C-415/05 P).
- Sayadi, N & Vinck, P (2008). Belgium, Merits, UN Doc CCPR/C/94/D/1472/2006, IHRL 3216, UNHRC 2008, United Nations [UN]; Human Rights Committee [CCPR].
- The Hogue Appellate Court (2011). Gerechtshof 's-Gravenhage, Civil Recht, Aaknummer: 200.063.360/01, Rolnummer Rechtbank: HA ZA 09-1192.
- DeWet, E & Nollkaemper, P (2003). "Review of the Security Council Decisions by National Courts". *German YB Intl L*, 45: 166-202.
- ECHR (2012). *Nada v Switzerland*, Grand Chamber Applic No.10593/08.
- Hollenberg, S (2013). "Challenges and Opportunities for Judicial Protection of Human Rights against Decisions of the United Nations Security Council". *Law, Political Science*, Available at: <https://www.api.semanticscholar.org/CorpusID:153696410>.
- Michaelsen, C (2009). "Kadi and Al Barakaat v Council of the European Union and Commission of the European Communities: The Incompatibility of the United Nations Security Council's 1267 Sanctions Regime with European due Process Guarantees". *Melbourne Journal of International Law*, 10(1): 1-17.
- Orakhelashvili, A (2005). "The Impact of Peremptory Norms on the Interpretation and Application of United Nations Security Council Resolutions". *European Journal of International Law*, 16(1): 59-88.
- Orakhelashvili, A (2007). "The Acts of the Security Council: Meaning and Standards of Review". *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 11: 143-195
- Peters, A (2013). "Targeted Sanctions after Affaire Al-Dulimi et Montana Management Inc. c. Suisse: Is There a Way Out of the Catch-22 for UN Members?" *Ejil Talk*.
- Tzanakopoulos, A (2010). *Domestic Court Reactions to UN Security Council Sanctions, Challenging Acts of International Organizations before National Courts*. Oxford: Oxford University Press.
- Tzanakopoulos, A (2011). *Disobeying the Security Council Countermeasures against Wrongful Sanctions*. Oxford: Oxford University Press.
- ج. پرونده‌ها
- Abousfian Abdelrazik v the Minister of Foreign Affairs and the Attorney General of Canada (2009). FC 580, Federal Court of Canada.
- Al-Dulimi and Montana management Inc. v. Switzerl (2016). European court of Human Rights, Grand Chamber, 5809/08.



Volume 4, Issue 4, 2023

The Role of Domestic and Regional Courts in the Implementation Security Councils Chapter VII Resolutions

Malihe Behfar¹

1. Assistant Professor, Department of Law, Pardis Branch, Islamic Azad University, Pardis, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 27-37

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +000000000

Email: malihebehfar@yahoo.com

Article history:

Received: 10 Sep 2023

Revised: 17 Oct 2023

Accepted: 18 Nov 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Security Council, Binding Resolutions, Judicial Evaluation, Regional Courts, Internal Courts.

ABSTRACT

Part of the Security Council's binding decisions are in conflict with its international obligations and human rights and humanitarian standards. This has brought individuals and entities to complain in the regional courts or member states courts. The judgment by these courts led to the abolition of some of the legislation of the European society and executive actions of Member States in enforcement of Security Council sanctions. Although the issue of court evaluation of Security Council decisions cannot lead to the cancellation and invalidation of a resolution under international law, it has changed the effects of the resolutions. However, such judicial evaluations can affect the long term and affect the performance of states in the implementation of Security Council resolutions. It can also undermine the integrity of international law because these states are required to comply with the judgment of the courts and on the other hand, will cause international responsibility for states to not enforce the Security Council sanctions. This article intends to review the judgment in this cases and with the analytical look of such judicial assessments in the implementation of the Security Council decisions could expose.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Behfar, M (2023). "The Role of Domestic and Regional Courts in the Implementation Security Councils Chapter VII Resolutions". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(4): 27-37.